

جمهوری اسلامی



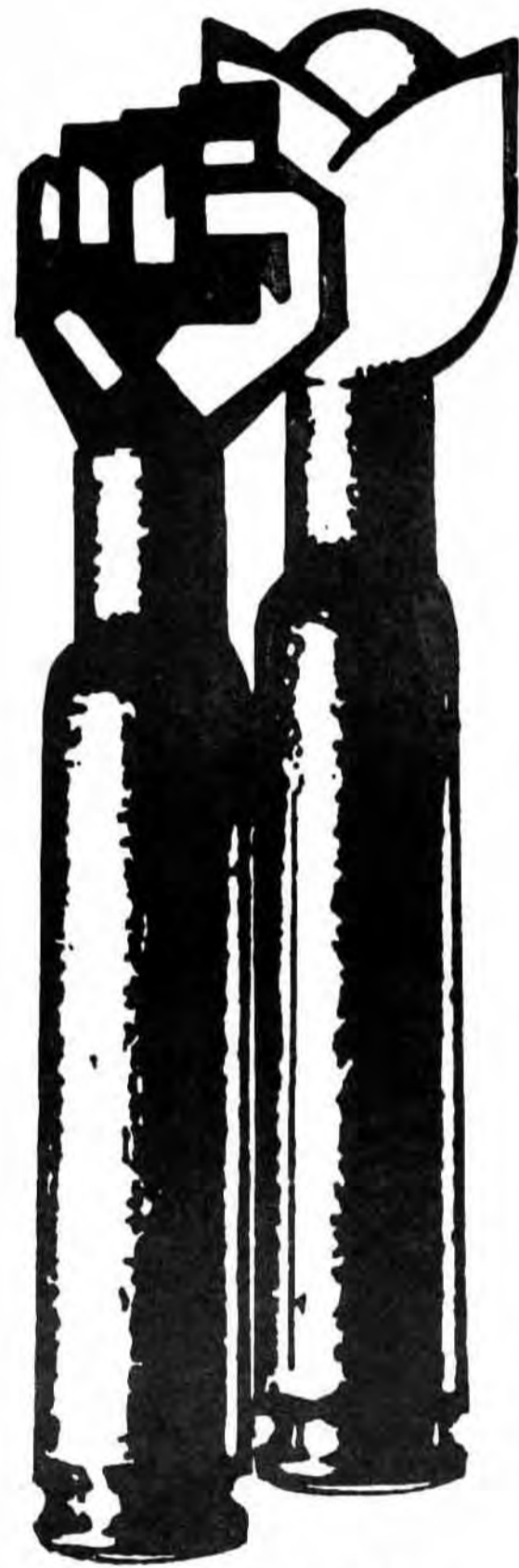
ویژه دومین سالگرد جنگ تحمیلی

شنبه ۳ مهر ماه ۱۳۶۱
۷ ذیحجه ۱۴۰۲ - شماره ۹۶۲ سال چهارم



- در این شماره میخوانید
- چگونه بستان آزاد شد
- جنگ بروایت تصویر
- کارگران در جنگ
- نقش جنگ در شکوفائی
- ارزشهایی متعالی «جامعه ورزش»

امام خمینی:
ملت شجاع و متعهد
این هفته لازم است
حضور خود را در
صحنه جنگ اثبات
نمایند و مشت
محکمی به دهان
یاوهسرایان بکوبند



هفته جنگ

نگاهی به عملیات طریق القدس (فتح الفتوح)

چگونه بستان آزاد شد

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه برای این جانب غرور انگیز و افتخار آفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان که سر بازان حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فدا هستند می باشد و این است فتح الفتوح.

«امام خمینی»

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران فراز و نشیب و تلخ و شیرینهای زیادی دارد و تکرار آن چشمها را گریان و لبان را خندان می سازد و وقتی صفحات تاریخ این جنگ را ورق می زنیم وقایع بسیاری را به دست می آوریم که هر کدام کتابی جداگانه در تسدوین روشها و تجربهها است که به خون بهای دهها و صدها بلکه هزاران شهید به دست آمده است و در این رابطه باید بیش از همه خاطره آن شهادتی را به یاد آوریم که در روزهای اول جنگ مظلومانه به شهادت رسیدند چرا که آنان هم از داخل هدف بی توجهیها و خباثنها هم از ناحیه دشمن هدف گلولههای آتشین قرار می گرفتند. شورای فرماندهی باصطلاح انقلاب عراق با انتشار اطلاعیهی در روز ۵۹/۶/۳۱ علنا اعلان جنگ رسمی می نماید و طی آن می گوید: باید نیروهای مسلح عراق ضربتهای کمر شکن و پاسخهای شدید را علیه گلیه هدفهای نظامی ایران باشد هر چه نامتور وارد سازند. و بدینال آن دشمن برای تصرف مناطق و شهرهای کشور اسلامی ایران با نیرویی که از ماهها قبل در پشت بوار مرزی مستقر کرده بود به ایران اسلامی حمله می کند.

در اولین روزهای جنگ تحمیلی نیروهای مستقر در ده تازادگان و نواحی مرزی هویزه و بستان با سلاح سبک و تانک و خویشتن در مقابل حملات و حملههای صدامیان استقامت کرده و از پیشروی آنها جلوگیری می کنند تا اینکه چند روز بعد صدامیان بروی رودخانه کره اقدام به نصب پل متحرک می نمایند تا با عبور از آن وارد شهر بستان شوند اما جان پر کلان پاسدار و نیروهای مسلح مستقر در شهر با انهدام چهار تانک و پل مذکور دشمن را مجبور به عقب نشینی می کنند. ۲۴ ساعت بعد از این عملیات در ششم مهرماه شدت آتش دشمن از سه ناحیه به طرف بستان گسترش می یابد و همراه آن دستور داده می شود که قوای اسلام از شهر خارج شوند تا مواضع نیروهای مهاجم بمباران شود. رزمندگان با خلوص و بی ایاش اسلام با به جای گذاشتن چند شهید به طرف سوسنگرد



طی نمایند تا به مقصد برسند لذا از بستان به عنوان یکی از محورهای کمربندی خط تدارکات و ارتباطی بسمتین نام برده می شد با این حساب پس از شکست شدن حصر آبادان بهترین راه ادامه عملیات قطع خطوط ارتباطی دشمن بود و اگر این طرح باموفقیت انجام می گرفت و که بهاری خدا گرفت متجاوز از ۳۰ درصد قدرت تحرک و جابه جایی دشمن سلب می گردید و راه را برای پیشرویها و پیروزیهای بعدی باز می ساخت.

انتظار شروع عملیات:

ماه محرم سال ۱۴۰۲ هجری قمری به روزهای آخر رسیده بود، همه از ابتدای این ماه انتظار شروع یک عملیات بزرگ را می کشیدند چون ماه ماه خون و شهادت و ماه پیروزی خون بر شمشیر بوده سینههای چاک خورده و گلگون از سینههای ایام سوگواری سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله (ع) فریاد رزم داشت، در جبههها پشت جبههها بیمارستانها، خانهها، هیئت دولت و خلاصه در جای جای این کشور اسلامی یاد حسین خون تازه می در گها جاری می ساخت و با وجودیکه هر روز عاشورا و هر سرزمین ما کربلاست اما سالروز عاشورا و سرزمین کربلا جای و منزلت دیگری دارد و فرا رسیدن چنین روزی به طور طبیعی نوید حماسه بزرگ را می دهد، از طرفی دشمن هم زبون تر از همیشه و وحشتزده در آماده باش به سر می برد، او در سفته بود که دلوران اسلام به چه عشقی به دفاع تا سرزبان ایستادند و به همین منظور هر گاه که مناسبتی از ایام مقدس امت اسلامی فرا می رسید ملتبه، و مضطرب انتظار حمله سلحشوران ایران را می کشید اما با گذشت عاشورا و عدم انجام عملیات انتظار دشمن رو به ضعف گذاشت و کم کم حالت آماده باش تخفیف یافت در مقابل انتظار رزمندگان اسلام و مردم همیشه در صحنه هر آن برافروختهتر می گشت.

طرح عملیات

پس از پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات ثامن الائمه و شکست شدن حصر آبادان عملیات نظامی و سیاسی جهان به خصوص منطقه دچار نقصان شد و برتری و تفوق نظامی و سیاسی ایران بر عراق موجب افت سریع موضع صدام و حزب بعث عراق در میان حامیان وی و مردم منطقه

تحرک و جا به جایی را به شدت ضعیف می کرد و البته در کنار اهمیت نظامی مسائل سیاسی هم از ویژگی خاصی برخوردار بود، چون با آزاد شدن بستان و ۷۰ روستای آن و رسیدن قوای اسلام به همزمان با شکست نظامی، شکست سیاسی صدام و موبدان تاز قادسیه نیز به جهانبا عرصه می شد.

خطوط مقدم جبهه دشمن

خطوط اول دشمن در شمال کرخه، در منطقه جابر حمدان در پنج کیلومتری شرق بستان قرار داشت که به طول ۸ کیلومتر از شمال به کوههای میش داغ و رملها (تپههای شنی) و از سمت جنوب به رودخانه کرخه و از آنجا به روستای دقلاله در کنار رودخانه نیشان و در حدود پنج کیلومتری غرب هویزه ختم می شد که مجموعا حدود سی کیلومتر طول آن بود و تمامی این خطوط به استحکامات نظامی قوی مجهز بود چند روز قبل از شروع عملیات در نماز جمعه تهران اعلام شد که به نیروهای رزمنده در جبههها نیاز داریم که بلافاصله سیل عظیم انسانهای عاشق شهادت روانه محلهای تعیین شده گردیدند به طوریکه طرف ۸ ساعت حدود ۲۰ هزار نفر در حوزهای مربوطه ثبت نام می کنند.

هر چه زمان به تاریخ شروع عملیات نزدیکتر می شد رفت و آمد در جاده مواصلاتی و تدارکاتی اهواز به سوسنگرد فزونی می یافت. حرکت تعداد گشیر کامیونها، اتوبوسها، خودروهای نظامی موتور سیکلها، خودروهای سنگین جهاد سازندگی و خلاصه هر وسیلهای که در این رزم مفید واقع می شد به حدی بود که در دو انتهای جاده و حتی در مسیر راه تولید رانندگان می کرد، گرد و خاک و دود عجیبی فضا را پوشانده بود، همه بی اسان به سوی جبهه می شتافتند، سنگرها هم از حالت عادی خود خارج شده بود رزمندگان اسلام با نزدیک شدن زمان حمله بیشتر با راز و نیاز می کردند و درخواست مغفرت می نمودند، چهرهها دگرگون شده بود و همه سر از ز نمی شناختند، این بار با از بین رفتن ریشه نفق و دورویی یعنی بنی صدر خائن آمیختگی ارتش و سپاه و بسیج و سایر نیروها بیشتر از پیش به چشم می خورد، فضای عطر آگین جبهه بستان با شعارها و سلام و صلواتهای تازه و آره بین دلپذیر تر می گشت، نیروهای بسیج با این جمله ویر مشام می رسید هر لحظه بوی کربلا، کربلا یا کربلا می شنیدند از شهر و دیار خود تا خط اول جبهه طی کرده بودند و با ورود آنها به جبهه دلوران اسلام نیز با آنان هم آواز شده و این نغمه طرب انگیز را سر می دادند.

روز قبل از شروع حمله دشمن یعنی مقرر تدارکات جبهه را مورد شناسایی قرار می دهند و توسط هواپیماهای جنگی خود چندین بار این محل را با بمبهای خوشحالی بمباران می کنند اما با سخاوت خداوند کوچکترین خسارتی به برادران رزمجو وارد نمی آید و به مصداق آیه «ووجهلنم بین ایدیهیم سد» و من خلفهم سدافا غشنامه فهم لایبصرن» آنها واقعا نمی دیدند و هم ایستادند در بمباران جادههای تدارکاتی که باز هم خلبانان زبون صدامی به خواست خداوند نتوانستند آنها را هدف قرار دهند.

از نکات حائز اهمیت این عملیات حضور یک گردان زرهی و یک گردان مکانیزه سپاه پاسداران بود چون بعد از عملیات ثامن الائمه برادران سپاه با تجهیزات به غنیمت گرفته شده از دشمن دو گردان زرهی و مکانیزه تشکیل دادند که در جریان عملیات طریق القدس پیشروی چشمگیری نیز داشتند.

نیروهای عمل کننده متشکل از برادران ارتش از لشگرهای ۹۲ زرهی اهواز و ۱۶ قزوین سه تپ پیاپی و دو گردان زرهی و

● ۵۱ تانک، ۵۰ نفر بربر - ۳۰ قیسه ضد هوایی - ۳۰ بلدوزر - ۲۰۰ خودرو و مهمات بسیار زیادی در این عملیات از دشمن بغنیمت گرفته شد.
● مجموعا ۱۷ فروند جنگنده هوایی عراق در عملیات طریق القدس سرنگون شد.
● ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز ۸ آذر ۱۳۶۰ عملیات طریق القدس با رمز یا «حسین» آغاز شد
● دو گردان زرهی و مکانیزه تشکیل یافته از غنائم بدست آمده در عملیات ثامن الائمه در عملیات طریق القدس بکار گرفته شد.

بالاخص مسلمانان گشت، دیگر از قادسیه صدام خبری نبود و آن تبلیغات گسترده ای که حاکم بغداد با عنوان حاکمیت عراق بر خوزستان به خورد مردم این کشور می داد دیگر کارساز نبود اما آریابان صدام که از سقوط وی سخت دروخت هستند تلاش می کردند تا او را به عنوان فاتح جنگ سرپای خود نگه دارند، انواع تجهیزات و سلاحهای جنگی مدرن و استراتژیک را در اختیار عراق قرار می دهند، آواکسهای آمریکایی در عربستان تمامی اطلاعات خود را به مقامات عراقی گزارش میکنند، نیروهای اردنی و مصری و... با تطمیع دولتهای خود به کمک صدام می شتابند و در مجموع با یک طیف گسترده و به گارگیری امکانات تسلیحاتی و به راه انداختن جنگ روانی سعی میکنند پیروزی بزرگ سلحشوران اسلام را تحت الشعاع مسائل دیگر قرار دهند. از سوی دیگر انجام این عملیات به رزمندگان اسلام این اطمینان را داد که با نصرت الهی میتوان دشمن را نابود کرد. لذا بعد از شکست شدن حصر آبادان که دارای اهمیت اقتصادی و سیاسی بود طرح یک عملیات با ویژگی نظامی در غرب سوسنگرد پیش بینی شد. بر اساس این طرح که در زمان اجرا به نام عملیات «طریق القدس» خوانده شد جاده تدارکاتی و مواصلاتی دشمن که فکه را در شمال به مناطق جفیر، شلمچه و بخش اشالی خونین شهر متصل میکرد قطع می شد، و اشغالگران صدامی می باستی از جنوب هورالمظیم و از طریق حصار، حلفالیه، قلعه صالح و علی غربی خود را به فکه یا مناطق اشالی در جنوب برسانند و این ارتباط از لحاظ نظامی بسیار مشکل و قدرتی

در این جنگ ثابت شد که سرتاسر کشور با هم هستند.

امام خمینی



ای خوش سولستان، خوب بختان،
خواب رفته‌گان را چه دلیل روشنی



هوشیار و استوار که انه بنیان مرصوص



خنده بر دشمن دون صفت خبر از بلند پروازیت می دهد، ای برادر



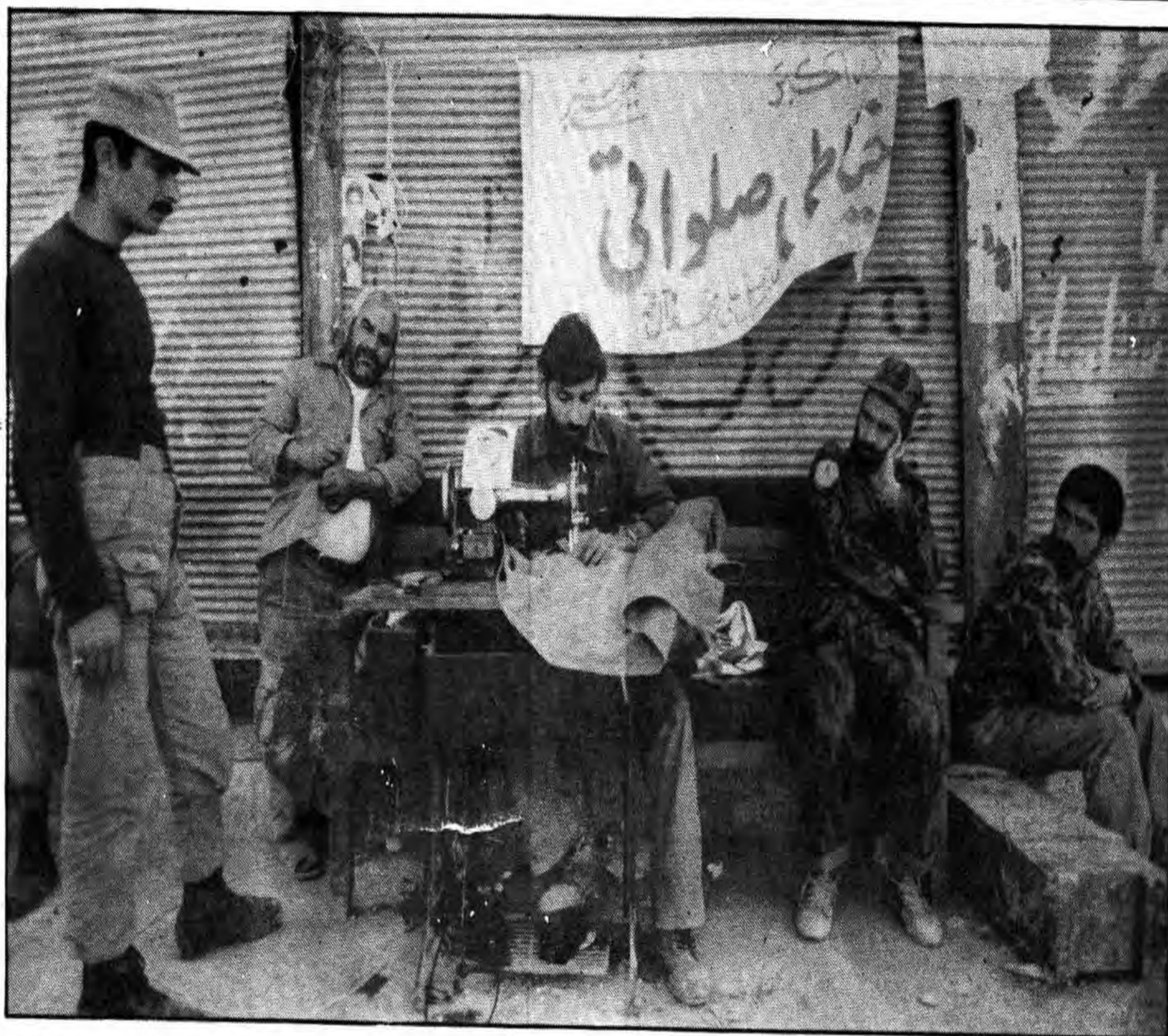
ای برادر تفنگت بردوش نشان از اراده‌ات می دهد این چنین استوار
و پایدار قلب دشمن را بشکاف



ای مادر چه استوار آمده‌ای نه اینکه تو یک مسلمان هستی
فکرت در اندیشه دشمن حقیره چه بزرگ است



در شب مرصیه سرایان، در روز خروشان و چابوگان بر دشمن زبون حمله‌ور می‌شوند



کارگران در جنگ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جنگ یک مقدمه طولانی است و قدمتی به اندازه تاریخ بشری دارد و یگانه ما که مسلمانیم و از دریچه یک جهان بینی توحیدی به این تاریخ می نگریم. جنگها ریشه در هوای نفسانی نوع بشر دارند و بالمال تا زمانیکه جامعه بشری نتواند بر این هوای نفسانی که در خود خواهیها، سلطه طلبیها، استکبار و نفع طلبیها فائق آید و بر آنها مهمیز زند، پدیده های بنام جنگ وجود خواهد داشت.

به اعتقاد ما که مسلمانیم و انسان را موجودی مادی و در زمره ابزار محکوم جبر و طبیعت نمیدانیم، تا زمانیکه جامعه بشری به طهیرت پاک خود باز نگردد و شیطان درون را سرکوب نکند، زرانده وزی و سلطه طلبی بعنوان مظاهری زشت و عامل همه فسادها، نابود نخواهد شد و مالا جنگ هم باقی خواهد ماند. و چنین است که اسلام تربیت نوع انسان را سرلوحه برنامه های خود قرار داده است و سعی می کند تا او را به ضمیر خود آشنا سازد و بانمودن راه درست، او را از تجاوز به حقوق دیگران باز دارد و زمینه را برای صلحی پایدار فراهم سازد.

این رسالت عظیم و جهانی که سرانجام به ایجاد یک حکومت واحد خواهد انجامید، بدست توانای دوازدهمین رهبر شیعیان تحقق خواهد یافت و بالاخره او روزی خواهد آمد و جهان را پراز عدل و داد خواهد کرد.

روزی که او بیاید نبرد نهایی ستمدیدگان عالم بر علیه ستمکبران و طغوانیت کوچک و بزرگ

آغاز خواهد گردید و سرنوشت محتوم این مسخ شدگان شیطان، رقم زده خواهد شد و به زیر خواهند آمد. تا آن زمان که او بیاید و انسان را از درد و غم و نگرانی و اضطراب برهاند و صلح طولانی و پایدار را برپا نماید، جنگ در همه زمینها و در گوشه گوشه گیتی جاری خواهد بود و خونها ریخته خواهد شد، بیگناه به قربانگاه خواهد رفت و طاغوتی سرنگون خواهد گردید. تا زمانیکه او بیاید و همه بتها را نفی و سرنگون سازد، جنگ نظامی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک میان ایستاد بشر و طغایف و گروهها و کشورها جریان خواهد داشت.

اکنون نمی شود برای این نبردهای پراکنده ماهیتی مشخص را عنوان کرد، اما چیزی که روشن است و شکی در آن نیست، ستمی است که از ناحیه این جنگها بر مستضعفان دنیا می رود و غرامتی است که آنان می پردازند

این نبردها اجتناب ناپذیرند و بالمال هر عنصر انسانی بطور مستقیم و غیر مستقیم در این نبرد جهانی شرکت دارد. مردم ما و کارگران و دهقانان ستمدیده این ملک نیز، اینچنینند، بیگمان سخن گفتن از تاریخ ملتی مظلوم و ستمدیده در این مختصر نمی گنجد. چرا که اگر برستی بخواهیم از این تاریخ پرفراز و نشیب و سراسر آمیخته با ظلم و بیداد و مقاومت و عدالتخواهی سخن بگوئیم، می بایست به اندازه خود آن وقت صرف کنیم. تاریخ این ملت سرفراز، تاریخی توأم با سکون و انجماد نبوده است و همانند تاریخ همه ملتها، در لحظه لحظه آن میتوان پرسدهای از نبرد عدالتخواهانه او را دید. لذا می بایست به تاریخ معاصر پرداخت و نقش کارگران و دهقانان و ستمدیدگان را تصویر نمود. این

میشود فهمید که اینان برگزیدگان ملتی هستند که اسلام را راه رهایی نوع انسان از قید و بندهای اسارت آور مادی و معنوی میدانند. میشود درک کرد که این برگزیدگان، مظلومانه در خون خود غسل نموده اند تا جریان تاریخ را به سود همه مستضعفان جهان تغییر دهند و از نظامی وابسته و ضد اسلامی و مالا ضد مردمی، به استقلال برسند و آنگاه از این پایگاه قدرتمند، چشم به درون تاریکیها بدوزند و جویای تبعیدیان در ظلمات کفر و شرک و بیعدالتی های اجتماعی شوند.

در میان این دهها هزار شهید راه اسلام، در میان این گورهای سرد گورستانهای وطن و یا گورهای ناپسندای دشتهای جنوب و غرب، چقدر مرفه و سرمایه دار آرمیدانند؟ آیا میتوان پیگیری را نشان داد که متعلق به این قشر باشد و در راهی اینچنین پر صلابت و سرخقدم گذارده باشد؟ شکی نباید داشت که نمیتوان و امام بزرگ و این رهبر دانا و فارغ از وابستگی های مادی نیز با تعبیری زهبا بر این نکته واضح، وقوف وجدانهای بیدار را به اثبات رساندند و قضاوت عادلانه انقلاب را بیان فرمودند که انقلاب اسلامی بر دوش راهبان وادی نور و ایمان به پیش آمده است و تا انقلاب جهانی مهدی موعود به پیش خواهد رفت. این راهبان، کارگران، دهقانان و مستضعفین این جامعه و ملتند. دستگاه جور پهلوی، دستگاه مردم مستضعف و محروم نبود. این دستگاه تا آنجا که در توان داشت، ذخائر این مملکت اسلامی را در طبق وابستگی نهاد و پیش کش دشمنان اسلام کرد.

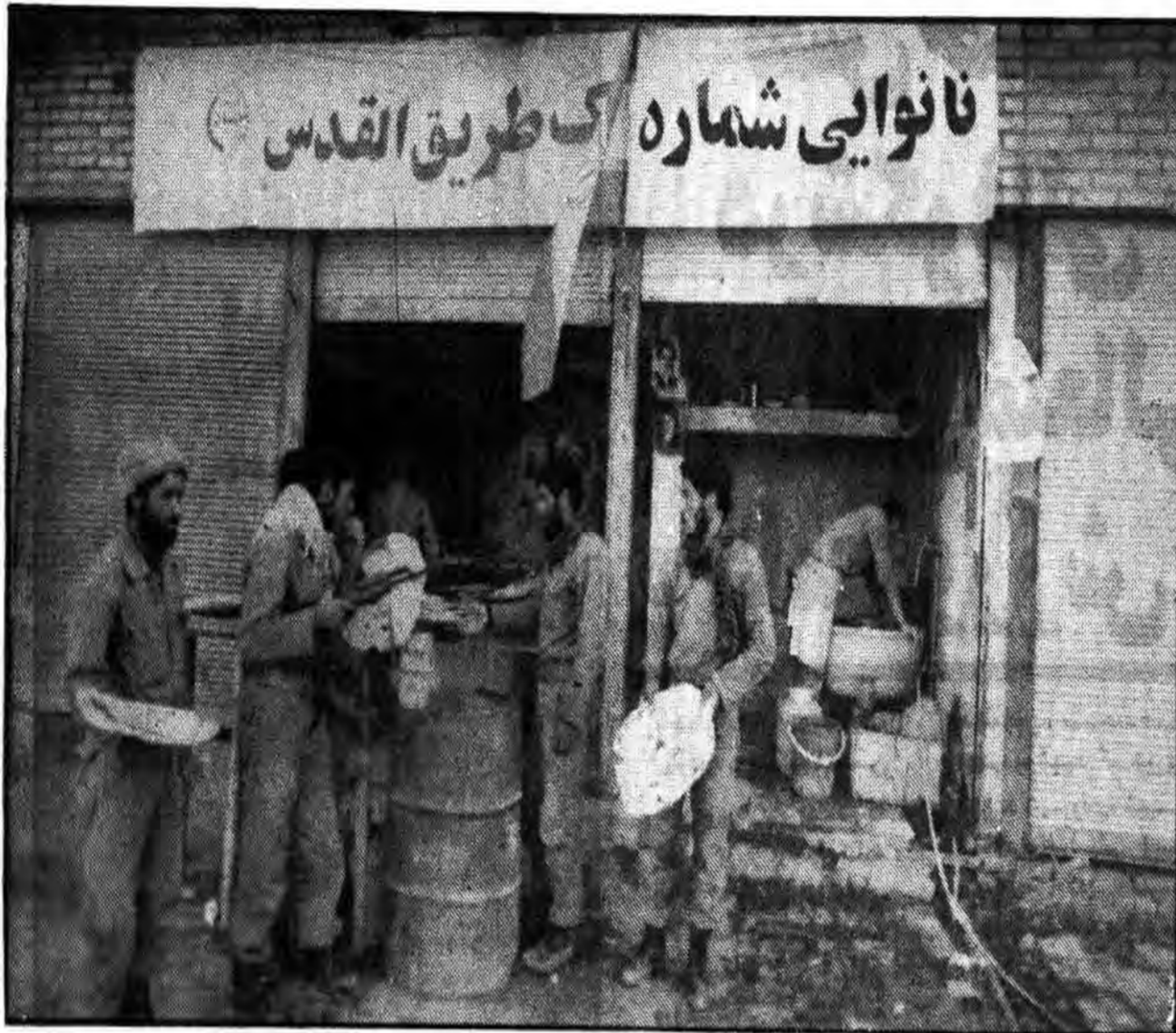
ذخائر این مردم مسلم را به آمریکای وحشی داد تا بمب و گلوله شود و بر سر و سینه آزادخواهان دنیا ببارد. این مردم در طی آن سالهای سیاه، لمس میکردند که موربانها بجان ستونها و پایه های اسلام افتادند و بی سرو صدا مشغول خوردن و نابودی آنها هستند. موربانها در بسته بندیهای لوکس و خیره کننده اصلاحات اراضی و انقلاب سفید و ناتو و سنتو و صنعت و پیکان و تجدد و مد بالای زانو و دانسینگها و کاخهای جوانان و مبارزه با فئودالیزم و سهیبدن کارگران و امثالهم، بی وقفه و مغولوار از کانال ساواک- رستاخیز و از طریق دروازه های تمدن بزرگ وارد میشدند تا بیرقهای وابستگی و از خود بیگانه گشتن را در کنار چوبه های دار به اهتزاز در آورند. نتیجه همه این اقدامات شاهانه و وسیع هانه، بدبختی و زوال تدریجی یک ملت و یک فرهنگ بود. و دیدیم که چگونه فئودالیزم در شکل جدیدتری احیا شد و برای مدتی انقلاب به تمویق افتاد و بار کمرشکن مسابقات تسلیحاتی کمر زحمتکشان و بیچارگان ما را تا کرد و پیکان متعلق به بچه سرمایه دارها شد و تجدد، فرنگی تمام عیار شدن ایرانی تعبیر گردید و مد بالای زانو و دانسینگها و کاخهای جوانان، پندر شیرت و شرف و مردانگی و پویایی نسل جوان را در آورد و کارگران بدنبال سراب، هسی جان کشندند و شکم حسانان طباقوت، هر روز

گندمتر و دهانهایشان گشادتر و سرهایشان کوچکتر شد. آنها نیکه در روزهای تاریخی انقلاب به خیابانها آمدند و با دست خالی به مقابله با تانکهای آمریکایی رفتند، اسلام را خواستند و در پای این خواست که تبلور تجربه های طولانی آنها بود، خون دادند و نهال انقلاب اسلامی را آبیاری کردند. چرا که اسلام عین عدالتست و هر این هیچ شکی نداریم. امروز هم همین

تصویر تصویری روشن و آشکار است که حتی نزدیکترین وجدانهای بی غرض هم خواهد توانست نقطه نقطه نورانی آن را ببیند و میزان استحقاق آنان را قضاوت کند. انقلاب اسلامی، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات این ملت است. به همین خاطر است که این نقطه عطف را می بایستی مبداء یک تاریخ جدید حساب آورد و موضوعگیری همگان را در قبال این حادثه بزرگ ملاک ارزشیابی قرار داد و انقلابی و ضد انقلاب را براساس آن سنجید و معرفی کرد.

انقلاب اسلامی معاصر بدون شک، مظلوم واقع شده است و در عرصه جهانی همه روزه شاهد لجن پراکنی جبهه متحد ضد انقلاب علیه دستاوردهای آن هستیم. این لجن پراکنی پدیده تازه ای نیست و نه تنها علیه این انقلاب خدائی عمل می کند، بلکه در طول تاریخ بشر نیز علیه همه حق خواهان عمل کرده است. امروز مظهر این پدیده شقی و شیطانی، آمریکای جنایتکار است. به همین دلیل، انقلاب اسلامی، از بدو تولدش با این ابرقدرت خونخوار در ستیز قرار گرفت و امروز هم با جبهه ای می جنگد که سردار شکی آمریکای جنایتکار است. ما اگر قبول داشته باشیم که آمریکای وحشی دشمن این انقلاب است، انوقت براحتی باور خواهیم کرد که ضد انقلاب، هر که می خواهد باشد، در خدمت آمریکای شکمبار است.

انقلاب اسلامی ایران مظلوم است. چون برای اثبات حقانیت و حقوق ملتی ستمدیده و مظلوم بوجود آمده است و امروز هم ناچار است برای پیروزی خود در مقابل این جبهه متحد عموسانی، مظلومان و ستمدیدگان و جوانانش را در میدانهای نبرد قربانی کند. در خیابانها و در آنجایی که صدها و هزاران گور گمنام وجود دارد. بهشت زهرا در سینه خود تاریخ بره های حساس از حیات این ملت را نهان دارد. در دل خاکهای این گورستان بزرگ، جوانانی آرمیدانند که روستایی اند، کوچکتر و بزرگتر و نوسروس دارند و ندارند. سربازند، پاسدارند، کارگرند، کشاورزند و کارمندند و با محصل و دانشجو، یکی در خیابانهای تهران بدست عوامل مزدور شاه آمریکایی بشهادت رسیده است، یکی در جبهه های جنگ تحمیلی و آن یکی هم بدست منافقین و جبهه مشترک ارتداد، در چهره آنان میشود استعفاف را مشاهده کرد، میشود فهمید که علت قیامشان علیه مظاهر کفر و ستم و آمریکا چه بوده است.



ضمن کمک ارزی به کشور، به دنیا ثابت نمایند که مسلمان ایرانی کودن نیست و مفرض خارق العاده است. در حقیقت کارگران و مهندسان میهنان در تلاش باطل نمودن این افسانه استعماری هستند که معتقد است و مردم کشورهای جهان سوم احساس و کودتند. اینرا تا همینجا هم به اثبات رسانده اند، لکن این جهاد تلاش ادامه دارد و ادامه خواهد داشت.

فعالیت و تشکل کارگران در بسیج نظامی، شاید اوج اعتقاد قلبی آنان به حقانیت ایران در جنگ باشد. آنانیکه تولید کردند، به جبههها کمک مالی نمودند، با محاصره اقتصادی و وابستگی صنعتی در افتادند و با منافقین و دیگر محاربین دستوپنجه نرم نمودند، زمانی رسید که رفتن به جبهه و قرار گرفتن در متن اصلی جنگ را بر هر کاری ارجح دانستند. این احساس از همان روزهای نخست جنگ بوجود آمد که تشکل آنان در بسیج نظامی را لازم آورد. استقبالی که کارگران، این مجاهدان پشت جبهه از بسیج نظامی نمودند، خود گویای واقعیتی است که ما آنرا ایمان به جنگ علیه عراق و دفع متجاوز و سرکوبی آن میدانیم. تاکنون بسیاری از کارگران از این طریق و با بطور آزاد راهی جبههها شده اند. از این تعداد، بسیاری ساندانند، بسیاری در گورستانها خوابیده اند و بسیاری نیز گمنام رفته اند، گمنام جنگیده اند و گمنام بی نشان به شهادت رسیده اند، زیرا اعتقاد داشته و دارند که این جنگ، جنگی علیه کفر و بیعدالتی جهانی است. زیرا به انقلاب وفادارند.

سخن گفتن از کارگران و زحمتکشان میهن و تأثیر و نقش آنان در این جنگ، کلام نیست، یک کتاب و بلکه دهها کتاب است. کتابهایی در باره تلاش، ایمان و اعتقاد به راهی که شهادت لازم آنست. اما همین بس که کارگران و زحمتکشان این میهن، انقلاب را یآوری کرده اند و تا به اینجا، رهایش نساخته اند.

آنها اسلام را یآوری کرده اند، زیرا اسلام حامی آنانست. آنها امام را تنها نگارده اند، زیرا امام بتشکن، زبان گویای اسلام در این برهه از زمان و تاریخ است، زیرا سازش ناپذیر است و زیرا حامی و پشتیبان همه مستضعفان جهان است آنها مساندانند و جنگیده اند، در همه ابعاد، تا اسلام پیروز شود و ظلم از بین برود. بله، آنها علیه آمریکا، لیبرالها، منافقین و صدام جنگیده اند و فردا نوبت بعدیهاست. بگذار جنگ به پایان برسد تا جنگی دیگر آغاز شود.

میشد، به کار خود ادامه دادند حتی در زمانیکه احتمال حمله هوایی از جانب عراق بسیار زیاد بود، این امر صورت گرفت. البته جنگ و احتمال حملات هوایی، تعدادی از کارخانجات ما را که امکان استتار خوب نداشتند، به کار روزانه واداشت و طبیعتاً مقداری تولید کم شد. اما ایثار و از خود گذشتگی و تلاش زیاد کارگران تا حد ممکن، در تاریخ این جنگ باقی خواهد ماند.

شاید حضور کارگران با این کیفیت در کارخانجات تهران و سایر شهرهای دور از خط مقدم، چندان چشمگیر جلوه نکند. اما به یقین چنین نیست و مسلماً آیندگان خواهند گفت که کارگران این مملکت در زیر بمباران مناطق جنوب و غرب و در حالیکه احتمال بمباران در سایر شهرها میرفت، تا آنجائیکه توانستند و مقدورشان بود، کار کردند و نگذاشتند که تولید بیش از حد اجبار پائین آید.

علاوه بر این جهاد، کارگران کشورمان از آغاز جنگ تحمیلی تاکنون، میلیونها تومان از درآمد خود را برای جبههها فرستاده اند. میزان واقعی این کمکها علیرغم ثبت تعدادی از آنها در اسناد رسمی، مشخص و معلوم نیست، چرا که چه بسیار کارگرانیکه بدون اطلاع کسی، تا حدی که توانستند، و مقدورشان بوده، کمک کرده اند. این در حالی بوده است که خودشان هم نیازمند بودماند. و در حالیکه محترمان، گرانفروشان و چپاولگران بجای کمک به جبههها، تا آنجا می توانستند در حق این مردم محروم ظلم روا داشتند.

در این مدت، در حالیکه منافقین و دیگر جریانها ضدانقلاب سعی داشتند تا از تولید جلوگیری نمایند، کارگران علاوه بر ادامه تولید و کمک نقدی به جبههها، جبهه دیگری را نیز در برابر خود گشودند و به جنگ با وابستگی صنعتی هم برخاستند. شاید هیچوقت کسی نتواند واقفا بفهمد که کارگران ایرانی در طی جنگ تحمیلی در برابر عراق، تا چه اندازه به ابتکارات صنعتی دست زداند اما بر کسی پوشیده نیست که تاکنون تعداد زیادی از قطعات ماشین آلات متحرک و ثابت تولیدی و جنگی، توسط کارگران و مهندسان زحمتکش ساخته شده است. هم اکنون نیز کارگران و مهندسان کارخانجات و غیره، در جبههها مشغول اینکارند و همشان بر این است که با تعمیر و ساخت هر چه بیشتر قطعات یدکی، از میزان نیازمان به جهان خارج بکاهند و از این راه،

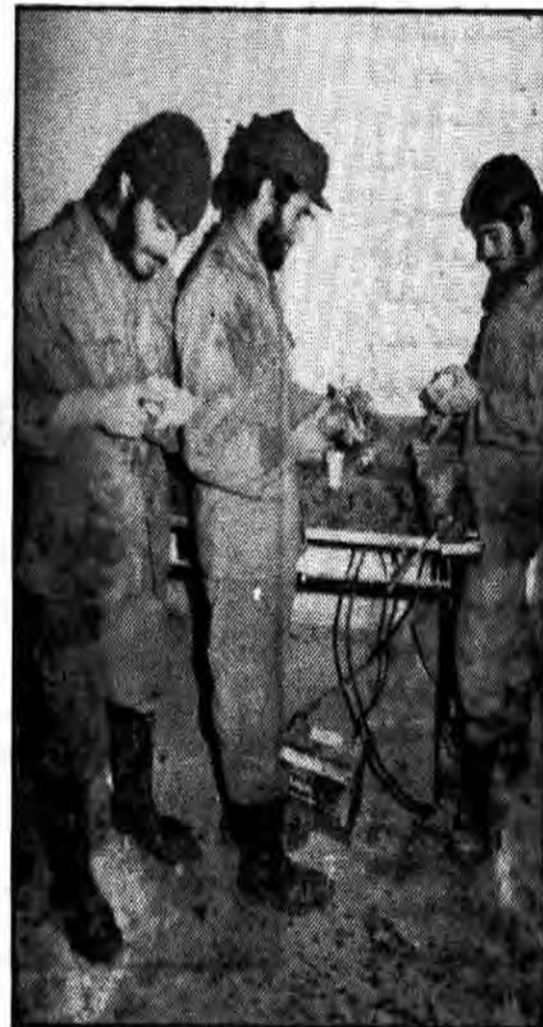
مردم محروم و مستضعف هستند که فرزندانشان بدست منافقین و صدامیان به شهادت میرسند تا پرچم اسلام بر خلاف خواست شرق و غرب، بر زمین نیفتد. همانطور که در روزهای انقلاب هیچ مترف و وابستهای به کمک این خلق محروم نیامد، امروز هم صحنه از وجود آنان خالیست و بار این رسالت سنگین، بر دوش آنانست که محرومند. بر دوش آنهاست که در روزهای انقلاب اعلامیه پخش کردند، به مراکز فساد حمله نمودند و تن به رگبار آمریکا و اسرائیل سپردند. همینهایی که بعد از انقلاب، حمایت کرده اند، پاسداری دادند و بازهم پذیرای گلوله های آمریکا و منافقین شده اند.

انقلاب اسلامی ایران واقعا مظلوم است. پس از انقلاب، آنانیکه در خارج جا خوش کرده بودند، آمدند و میراث پدر خود را طلب نمودند. هنوز خون شهیدان انقلاب در میدان شهدا خشک نشده بود که از طرف مخالفین حکومت الهی و آنانیکه دشمنان خلفند و سر در آخور غرب و شرق دارند، مورد هجوم قرار گرفت و بسیاری از جوانانش را مظلومانه فدا کرد. هنوز این هجوم دفع نشده بود که جبهه های دیگری در مقابلش گشودند و خلق مسلمان را علم کردند. پس از این توطئه، ملی گراهای غرب زده آمدند و بعد هم جوجه تروریستهای فالانژ که روی جمایل صهیونیست را سفید کرده اند، به آن اعلان جنگ دادند و همزمان با قتل و غارت و تجاوز و وحشیگریهای عفری، یادگار شاهنشاهی را زنده کردند. و امروز هم، آنهاست که اسلام را منکرند و حتی اگر بتوانند آن را تکفیر می نمایند، اسلامخواه شده اند و در این جبهه، و بدتر از منافقین، ضربه میزنند. با این همه، انقلاب اسلامی ایران نیرومند است و در عین مظلومیت، با قدرت در تمامی عرصه های پیکار با دشمنان خدا و مردم در ستیز است. انقلاب بواسطه آن اصالت خدائی و با تکیه بر آنکه همه چیز از اوست و به سوی او باز می گردد، در عین حالیکه با آمریکای جهانخوار مستقیماً در جنگ است.

با مزدوران و پیاپیهای داخلی آنها در جنگ است و میرود تا نبرد را به سود خود پایان دهد. این پیروزی قبل از هر چیزی مدیون الطاف خفیه الهی است و بعد هم مدیون حضور ملت در صحنه ملتی که هر آنچه دارد، ایثار می کند. کارگرش با تمام توان کار می کند، و کشاورزش هم و کارمند با وجدانش نیز زانوش و کود کانش انگشت گذاردن بروی قشر و طبقاتی خاص در این میدان بزرگ و الهی، کار ساده ای نیست. واقفا نمیشود این ملت متحد و یکپارچه را از هم جدا کرد و خدمات و ویژهای برای قشری منظور نمود. ملتی که استضعاف و محرومیت تاریخی از ویژگیهای فطری آنست. ملتی که شهید داده است، ملتی که همواره چوب سرمایه داران و غرببزه ها و مقدس مآبها و منافقین را خورده است. این ملت را چگونه میشود از هم تفکیک نمود؟ با این وصف، گفتگو از کارگران بمثابه بخش مهمی از جامعه محروم ما خالی از لطف نیست و می تواند بعنوان مشتی نمونه خروار، بیانگر حضور تعیین کننده مستضعفین جامعه قلمداد گردد. بخصوص که امام است درباره مقام و ارزش کارگر فرمودند که خدای تبارک و تعالی هم کارگر است.

وقتی که جنگ عراق علیه ایران بدستور شیطان بزرگ آمریکای وحشی و جهانخوار آغاز شد، کارگران میهنان با درک درستی که از ماهیت این تجاوز بدست آوردند، تا آنجا که توانستند بر فعالیت و تلاش سازنده خود افزودند. آنها بدون تردید قبول کردند که این جنگ را عراق بر ما تحمیل کرده است بلکه بتواند انقلاب اسلامی ایران را به نابودی کشاند و از این راه، دین خود را به امپریالیزم و صهیونیزم ادا کند.

در همان روزهای نخست جنگ تحمیلی و بمباران تعدادی از کارخانجات ما توسط رژیم بعثتی صهیونیستی صدام، تعدادی کارگر به خیل شهیدان پیوستند و حضور عملی خود را در این پیکار به اثبات مجدد رساندند. اما شهادت این اولین شهدای جنگ تحمیلی، تنها افتخارات کارگران نبود. آنها علاوه بر حضور در میدانهای جنگ نظامی، در سنگر تولید نیز وفاداری خود را به آرمان انقلاب اسلامی ثابت نمودند. آنها تا آنجائیکه توانستند و مقدور بود و علیرغم توطئه های بشماره ای که به منظور اخلاص در امر تولید از جانب حامیان صدام آمریکایی انجام



نقش جنگ در شکوفائی ارزشهای متعالی «جامعه ورزش»

■ از آغاز جنگ تحمیلی، ورزش در جامعه وسیله‌ای برای تحرک و ایجاد آمادگی برای سلحشوران اسلام در مقابله با متجاوزین بعثی قرار گرفت.

● جنگ چون صیقلی بر پیکره اجتماع جهت درست ورزش را به جامعه شناساند تا ورزشکاران به ارزش والای کار و فعالیت خویش که همانا تزکیه نفس است پی ببرند.

● امروز الگوی ورزشکاران ماحمسه آفرینانی هستند که نام جاویدشان بر یکایک مراکز ورزشی همچون خورشید میدرخشد و یقیناً «جامعه ورزش» بخود می‌بالد که نام شهدای ورزشکار زینت بخش مکانهای ورزشی شده است.



و فعالیت خویش که همانا تزکیه نفس است پی ببرند گواه صادق این مدعا حضور پیوسته ودائمی ورزشکاران مادر کلبه مراحل انقلاب و خصوصاً جنگ است. آنان که شرف و آزادی رادر گرو دفاع از کشور اسلامی و سرنگونی صدام آمریکائی میدانند بانثار خون خویش از دستاوردهای این انقلاب پاسداری و حراست می‌نمایند. به تحقیق تاریخ ورزش این آب و خاک چنین حماسه‌هایی را بسپارد نمی‌آورد.

حماسه‌هایی که قلم و بیان از قدرت توصیف آنها عاجزند، امروز بسکاپک جبهه‌ها و سنگرها، گواهی بر شادتها و حماسه‌های جوانان پاک

باخته و ابتناگری هستند که پهلوانانه به جنگ با دشمن کافر می‌پردازند. جوانانی که هدفی جز برای احیاء کلمه الله و جایگزینی ارزشهای والای اسلامی ندارند، امروز یکایک این جوانان ورزشکارانی هستند که علاوه بر ساختن و پرورش جسم و در تقویت نیروهای فکری و روحی سعی و کوشش مینمایند. آیا تاکنون تاریخ جنگها و مبارزات انسانها نمونه‌هایی از این فداکارها را توانسته است عرضه کند. چگونه میتوان اینار نوجوانان ۱۳ ساله‌ای را با جثه‌ای کوچک و روحی بزرگ و والا که خود را به زیر تانک دشمن میاندازد تا از پیشروی مزدوران بداخل خاکش که هدفی جز نابودی اسلام و مسلمین ندارند، جلوگیری میکند، تفسیر نمائیم. آیا شهید شیروزی و کشوری خلبانان مبارز و خستگی ناپذیری که با عقاب آهنین خویش تا قلب جبهه دشمن می‌تاختند و به منکوب آنها پرداختند، نمی‌توانند نمونه‌ای از برگ زرین این تاریخ باشند وقتی تاریخ انقلاب اسلامی شهدای ارزشمندی

همچون - محمدحسین فهمیده، شهید کشوری، شهید شیروزی، شهید اسماعیل افراسیابی، شهید محمدرضا ایوبی، شهید مهدی نیکیخت، شهید محمود آذری، شهید شاپور ضرغام، شهید حیدرپور، شهید تقی مرغوبکار، شهید ترابعلی جدیدی، شهید فنجانچی، شهید خادم همدانی، خلبان شهید علی رستمی، شهید اسماعیل و اصغر وصالی، شهید علی‌اصغر رضایی و... هزاران نمونه دیگر را تقدیم میکند آیا میتوان گفت که معیارهای سنجش و ارزش ورزش ما ثابت مانده است، امروز الگوی ورزشکاران ما این حماسه آفرینان هستند. آنان که نام جاویدشان بر یکایک مراکز ورزشی همچون خورشید میدرخشد و یقیناً «جامعه ورزش» ما بخود می‌بالد که نام شهدای ورزشکار زینت بخش مکانهای ورزشی شده است.

جوانان با شجاعت و ایثار از اسلام و مملکت اسلامی خویش دفاع نموده‌اند. پس چه نام و یادی زیننده‌تر و شایسته‌تر از نامهای آنهاست که بر سر در مراکز ورزشی بدرخشند. جایگزین بحق و شایسته نامها شهدا بر میدان از کوشش بحق دست اندرکاران امور ورزشی و مسئولین سازمان تربیت بدنی است که با فعالیتهای شبانه‌روزی خویش به نحو کامل ارزشهای طاغوتی در ورزش برآمده‌اند.

ورزش در خدمت جبهه‌های جنگ حق علیه باطل

خوزستان سرزمین ایثار، شجاعت، شهامت، آزادی، مقاومت، سرزمین حماسه آفرینهای عشاق راه حسین (ع) در طول جنگ تحمیلی کانون خیرهای ورزشی بوده است. برپائی مسابقات ورزشی در شهرهای مختلف کربلای خوزستان در شرایطی که متجاوزین بعثی با توپهای دوربرد و هواپیماهای جنگی ابرچایتکاران شرق و غرب به حملات ددمنشانه خود ادامه

میدهند مشت محکمی از جانب امت حزب... و شهید پرور ایران به ابرچایتکاران و نوکرانش میباید. در شهرهای که نزدیک به دوسال بهترین فرزندان قرآن و اسلام بغیض شهادت نائل آمده‌اند هر روز در میان ناپاوری و حیرت دشمنان اسلام شاهدیم که جشنواره‌های ورزشی به پاس احترام به شهدای اسلام برپا میشود و به یاد همان گلگون کفنی که عده‌ای از آنان ورزشکار و اکنون به لقا... پیوستند دیگر ورزشکاران رزمنده اسلام در فرصتی مناسب و بدون اضطراب و نگرانی و حتی در زیر آتش توپ و خمپاره بعثیون به میدان میآیند تا دیگران را به مفهوم ورزش اسلامی متوجه و نیز روح و جسم خود را نیرومند، بانشاط و در راه مقدس اسلام آماده نمایند.

سال گذشته حرکتی ورزشی کم نظیری متناسب با اهداف جمهوری اسلامی به همت و تلاش مسئولان سازمان تربیت بدنی - سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی در شهرهای کربلای جنوب برپا شد. مسابقات مختلف ورزشی در مناطق جنگی باعث شد تا روحیه رزمندگان اسلام و مردمی که همیشه همراه این مبارزان با کفر و باطل در ستیزند قوی‌تر گشته و ورزشکاران از قهرمانیهای سلحشوران اسلام که وجب به وجب خاک سرزمین اسلامی‌مان را از خون خود لاله‌گون نموده‌اند، درس ایثار و جوانمردی بیاموزند. از جمله میتوان برگزاری مسابقاتی که بمنظور تجلیل از شهدای عملیات طریق القدس (آزادی بستان) رکاب زدن دوچرخه سواران زنده کشور در جاده‌های شهرهای آزاد شده از جنگال اهریمنان، و رقابتهای فوتبال نام برد.

انجام این مسابقات مشت کوبنده جامعه ورزش بر پایه گویان امیرالیم خبری و صهیونیستی بود چرا که از اینطریق بدنیا ثابت گردید که منطقه جنگ با سایر مناطق دیگر برای امت حزب... فرصتی ندارد و حزب... همیشه با عزمی راسخ، مصمم و آماده خدمت و شهادت در راه خداست.

